■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۵۰۷ ■ پنجشنبه ■ ۱۳ آذر ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۵ | اذان مغرب ۱۷/۱۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۰ | اذان صبح فردا ۵/۳۰ | طلوع آفتاب فردا ۶/۵۹

سخن روز

امام‌صادق(ع): انسان خوش‌اخلاق، از دوستی مردمان خوب برخوردار است و از تعرض آدم‌های نابکار در امان است.

مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۴۹

ضرورت گسترش همکاری آموزشی، تربیتی، فرهنگی و هنری

سیدعباس صالحی: با توجه به مسیری که آموزش و پرورش از زمان کرونا در فضای مجازی پیش گرفته است فرصت مناسبی برای تولید فیلم مستند و کوتاه برای دانش‌آموزان ایجاد شده و با ترکیب دو حوزه می‌توان کار را به خوبی پیش برد و در یک برنامه‌ریزی طولانی‌تر از ظرفیت فیلم کوتاه و مستند برای حوزه آموزش بهره برد. مورد دیگری که می‌توان مقدمات آن را آغاز کرد افزودن المپیادهای ادبی در کنار المپیادهای هنری است، حوزه‌های تربیتی به یکدیگر متصل هستند و کسی که تربیت هنری کم دارد در بخش‌های دیگر تربیتی نیز دچار اختلال می‌شود، بنابراین حوزه المپیادهای علمی می‌تواند در کنار المپیادهای هنری قرار بگیرد.

برگرفته از صحبت‌های وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
در مراسم امضای تفاهمنامه همکاری این وزارتخانه و وزارت آموزش و پرورش

هر داستانی
سه طرف داره؛
طرف من،
طرف اون
و حقیقت...

مظنون همیشگی
(The Usual Suspects)
کارگردان: برایان سینگر
فیلمنامه‌نویس: کریستوفر مک کوری

نـــگاره

سهیل محمدی

روز جهانی افراد دارای معلولیت

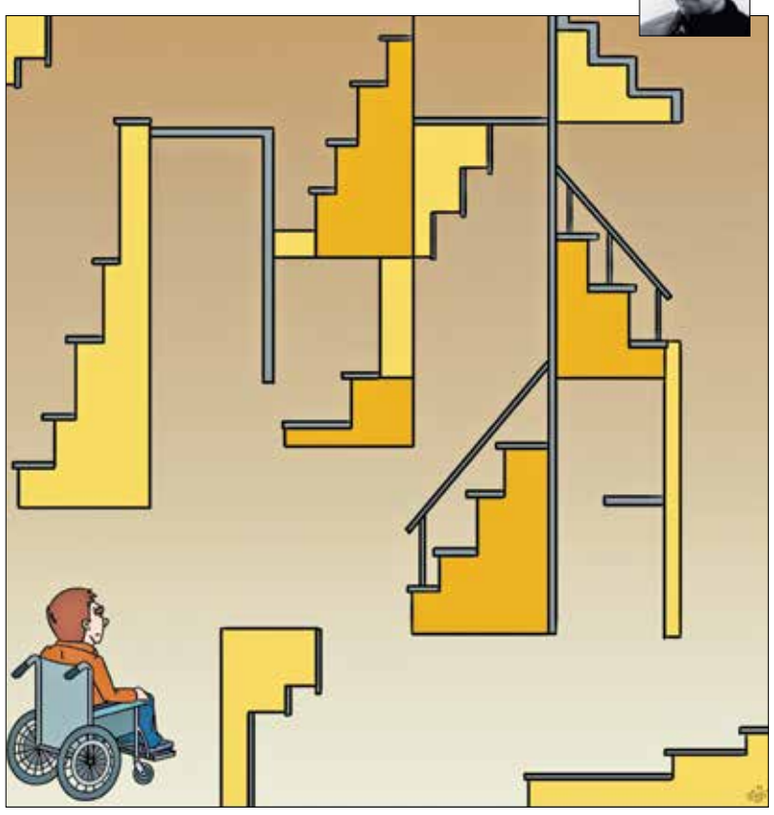

#بودجه

هشتگ

لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ کشور توسط دولت به مجلس ارائه شد؛ اتفاقی که هرسال می‌افتد اما امسال شرایط ویژه‌ای داشت. رئیس‌جمهوری براساس ضوابط ستاد ملی مبارزه با کرونا به مجلس نرفت و معاون پارلمانی لایحه را به مجلس برد. از آن سو رئیس مجلس هم در جلسه حاضر نشد و نایب رئیس مجلس لایحه را تحویل گرفت. همین مسأله باعث شد کاربران بیشتر از بودجه به این اتفاقات بپردازند. البته در کنارش درباره رقم‌های مطرح شده در بودجه هم می‌نوشتند: «معاون و رئیس سازمان برنامه‌وبودجه هم رعایت فلان کردن نرفتن و معاون پارلمانی لایحه بودجه رو برد مجلس.»، «روحانی به‌خاطر مصوبه کرونا نرفت مجلس، بودجه ۱۴۰۰ رو دادن کس دیگه‌ای برد، قالیباف لج کرد بودجه رو تحویل نگرفت. یک روز معمولی در کشور ما»، «همین که روحانی لایحه بودجه ۱۴۰۰ رو نداده به اسنپ باکس قالیباف باید خداش رو شکر کنه»، «بودجه را بخوانید و تغییرات آن را در کمیسیون تلفیق و صحن علنی دنبال کنید، تا در سال آتی در بورس نقره‌داغ نشوید، در ایران همه راه ها به بودجه ختم می‌شود.»، «جدی فایده دانشگاه پیام نور چیه که ۷۵۱ میلیارد تومان بودجه داره برای سال ۱۴۰۰؟»، «بودجه ۸۲۱/۹۲۹ هزار میلیارد تومانی سال ۱۴۰۰ از طرف دولت به مجلس ارائه شد. بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور به‌دلیل ضعف در نظام بودجه‌ریزی کشور است.»، «فرهنگستان زبان پارسی دربودجه ۱۴۰۰ برای بخش واژه گزینی ۱۰میلیارد و ۹۲۰میلیون تومان بودجه دریافت می کند. فرهنگستانِ زبان و ادبِ پارسی در آخرین واژه گزینی پیشنهاد داده به‌جای واژه «ایدز» ازکلمه «ناکا» که مخففِ «نشانگانِ اکتسابی کمبودِ ایمنی» هست استفاده بشه»، «ثبت رکورد جدید؛ معاون پارلمانی رئیس‌جمهوری لایحه بودجه ۱۴۰۰ را در ۲۰ ثانیه تقدیم نایب رئیس دوم مجلس کرد»، «حالم خراب است مثل آن نماینده‌هایی که خودشون رو آماده کرده بودن وقتی روحانی لایحه بودجه رو به مجلس می‌آورد بهش حمله کنند ولی روحانی هم لایحه رو فرستاد مجلس»، «قالیباف در واکنش به غیبت روحانی، جلسه مجلس را از ساختمان مشروطه دنبال می‌کرد. برای نخستین بار در تاریخ ادوار مجلس لایحه بودجه را نه رئیس‌جمهوری داد و نه رئیس مجلس گرفت.»، «در اسلام دستور داریم که اگر غذایی موجب ضرر جان انسان است خوردنش حرام است، اگر خوردن خاک باشد حرام است. پس حفظ نفس واجب است، بعد مرادی نماینده سوپر انقلابی مجلس امروز گفت روحانی از ترس کرونا برای بودجه درمجلس حاضر نشد! حداقل یه کم اسلام شناسی یاد بدین به این نماینده ها!»، «با نرفتن امروز روحانی به مجلس و فرستادن معاون پارلمانی برای تقدیم لایحه بودجه فعلاً یک_هیچ به نفع روحانی»، «در این وضعیت باید لایحه بودجه را به دبیرخانه الکترونیک مجلس ایمیل می‌کرد و شماره پیگیری می‌گرفت. CC هم می‌کرد به رئیس مجلس و تمام! «دولت الکترونیک» اگر در این مواقع به درد نخورد، به چه دردی می‌خورد؟»

شهروند مجازی

یگانه خدامی

اثر پروانه‌ای اخراج کی روش

ماجرا

کارلوس کی روش پس از نتیجه نگرفتن در تیم ملی کلمبیا از هدایت این تیم کنار گذاشته شد. به‌دلیل اینکه کی روش هنوز هم در ایران طرفداران و مخالفان سرسختی دارد این خبر بازتاب زیادی داشت و دوباره بحث بر سر اثرات او در تیم ملی ایران و کارنامه‌اش بین کاربران آغاز شد: «اخراج کی‌روش از کلمبیا حداقل برای خودش ۲ تا سود داشت؛ یک اینکه غرامت سنگینی به جیب میزنه. دوم اینکه زنده می‌مونه و با شلیک گلوله ازش پذیرایی نمی‌کنن چون اونجا دیگه بابت بردهای ساختگی در دیدارهای دوستانه، ازش قدیس نمی‌ساختن»، «در کلمبیا کسی مثل فردوسی‌پور وجود نداشته که باعث بشه با وجود نتایج ضعیف، کی روش هشت سال سرمربی تیم ملی بمانه»، «حتی یک مربی خوب ممکن است در یک تیم (ملی یا باشگاه) نتیجه لازم را کسب نکند و اخراج شود. در واقع مربیگری شغلی است که برکناری و جابه‌جایی از طبیعیات آن است. اخراج کی‌روش از کلمبیا از همان فردای شکست قطعی به نظر می‌رسید همان‌طور که بعد از باخت ایران به عراق اخراج ویلموتس حتمی بود.»، «حالا که کی روش اخراج شده به نظرم وقتشه برگرده ایران»، «در حال حاضر حداقل ۲۰ فوتبالیست ایرانی لژیونر هستند و می‌تونیم دو تا تیم ملی قوی درست کنیم. اینها همه ثمره کی روش در ایران بود که سطح فوتبال ایران رو از فوتبال علی اصغری بریز رو دروازه به فوتبال تاکتیکی تبدیل کرد گرچه شاید انتخاب کی روش برای کلمبیا با توجه به سبک فوتبالشون مناسب نبود»، «جدایی کی‌روش از تیم ملی دقیقاً مثل جدایی کریستیانو از رئال بود؛ واسه هیچ‌کدوم از ۲ طرف نفع مناسبی نداشت و همه‌چیز بد تموم شد تهش.»، «اثر پروانه‌ای یعنی همین که کی‌روش تو کلمبیا اخراج میشه بعد یه سریا تو ایران جشن می‌گیرن»، «به همون اندازه که اخراج برانکو از الاهلی به این معنی نیست که مربی ضعیفیه، اخراج کی روش از کلمبیا هم به معنی ضعف کی روش نیست. یه مربی یه جا جواب میده یه جا جواب نمیده. طرفدارهای این دو تا توی ایران چرا میزنن تو سر و کله هم نمیدونم»، «کی روش به درد ایران می خورد و ایران به درد کی روش. برانکو به درد پرسپولیس می خورد و پرسپولیس به درد برانکو. هر دو هم به درد فوتبال ایران.»، «کارلوس کی روش هم به‌صورت رسمی از تیم ملی کلمبیا اخراج شد تا ثابت بشه تمام آنچه ما توی ۸ سال فریاد زدیم و بعضی‌ها در مقابلش به ما توهین کردند، ثابت بشه. فقط واسم سؤاله اون عزیزانی که عقده‌های ناکامی تیم محبوبشان باعث شده بود کی‌روش پرست شوند، الان کجا هستند؟»، «یعنی کی‌روش الان بیکاره؟ نمی‌شه بهش زنگ بزنیم برگرده؟»

مختصری درباره امبرتو اکو و جایگاهش در فرهنگ معاصر جهان

شوق اندیشمند شاخص ایتالیایی به فرهنگ ایرانی

یادداشت

غلامرضا امامی
مترجم ادبیات ایتالیایی

«اومبرتو اکو» بی‌هیچ تردیدی از چهره‌های برجسته یک‌صد سال اخیر به شمار می‌آید که درزمینه‌های مختلفی قدم و قلم‌زده است. نخست این‌که فیلسوفی نامدار و متفکری جهانی است که بیست از ۳۰ دانشگاه از نقاط مختلف جهان به او دکتری افتخاری اهدا کرده‌اند که اتفاق نادری است. این متخصص قرون وسطی تا پایان عمر به تدریس در «بولونیا»، کهن‌ترین دانشگاه اروپا پرداخت؛ آن‌هم درباره مباحثی همچون فلسفه و نشانه شناسی. نام اکو با انتشار کتاب «به نام گل سرخ» به‌عنوان رمان‌نویسی مدرن مطرح شد هرچند که خودش هرگز علاقه‌مند نبود او را رمان‌نویس بنامند. او این رمان را با بهره‌گیری از متون قرون‌وسطی که در آن تبحری بی‌مانند داشت نوشت که ازقضا با استقبال جهانی هم روبه‌رو و بارها ترجمه و بازنشر شد. برپایه این داستان بلند فیلمی ساخته شد که بازیگرانی همچون «شان کانری» در آن به ایفای نقش پرداختند؛ هرچند که بعدازاین فیلم تأکید کرد دیگر اجازه ساخت هیچ فیلمی را از نوشته‌های خود نمی‌دهد؛ او حقی برای اعمال تغییر سینماگران در آثارش برای اقتباس قائل نبود. اما یکی از رازهای ماندگاری نوشته‌های او را می‌توان در این دانست که اکو نویسنده و طنزپردازی یگانه به شمار می‌آمد. هر هفته یادداشتی از او در مجله‌ای ایتالیایی منتشر می‌شد؛ مطالبی جدی که به بیانی طنز درباره اوضاع زمانه پیش روی مخاطبان قرار می‌گرفتند؛ عمده تمرکز اکو در نگارش آنها متوجه تأثیر تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و نقش اینترنت در زندگی امروزمان بود. اکو را می‌توان نویسنده‌ای دانست که تنها درگذشته سیر نمی‌کرد، بلکه نگاه او متوجه زمان حال و حتی آینده نیز بود. از همین بابت او نه‌تنها در ایتالیا، بلکه حتی در عرصه جهانی هم چهره شناخته به شمار می‌آید؛ شاید باورتان نشود اما آن‌قدر میان ایتالیایی‌ها محبوب بوده و هست که کافی بود از خانه خارج شود تا انبوهی از علاقه‌مندانش گرداگرد او را بگیرند. نخستین دیدار خودم با اکو به حدود بیست سال قبل در نمایشگاه بولونیای ایتالیا بازمی‌گردد؛ رئیس این نمایشگاه کتاب که از دوستانم بود واسطه آشنایی من با اومبرتو اکو شد. جالب این‌که از همان دیدار نخست متوجه علاقه‌مندی و آشنایی‌اش با ایران شدم. وقتی باخبر شد که ترجمه‌ای از کتاب «به نام گل سرخ» در ایران منتشرشده خوشحال شد؛ می‌دانست ما به معاهده کپی‌رایت نپیوسته‌ایم اما گلایه کرد که چرا حداقل نسخه‌ای از کتاب را به دست خودش نرسانده‌اند. همان‌جا قرار ترجمه «سه قصه» یکی از کتاب‌های او را گذاشتم، آن‌هم به‌شرط کسب اجازه رایت از ناشر اصلی که اتفاقاً استقبال هم کرد. به‌تازگی «چگونه با ماهی قزل‌آلا سفر کنیم» او را با همراهی انتشارات کتاب کوچه ترجمه و منتشر کرده‌ام که چاپ دوم آن روانه کتاب‌فروشی شده است. این کتاب دربردارنده مجموعه‌ای از یادداشت‌ها و طنزهای اکو پیرامون زندگی، مدرنیته و تکنولوژی است. نکته جالب این‌که اکو در خلال تألیف این کتاب از دو کتاب «قابوس‌نامه» و «السعاده والاسعاد» سخن گفته که این نشان‌دهنده توجه و شناختی است که به فرهنگ کشور ما و از سویی خاورمیانه داشته است. البته این کتاب تفاوت مختصری با نسخه اصلی اش دارد؛ این که ابتدای آن نامه اکو به نوه‌اش را هم درج کرده‌ام؛ طی این نامه که آن را آغاز سال نو میلادی نوشته بوده نوه‌اش را از سپری کردن زمانش در فضای مجازی و با تکنولوژی‌های ارتباطی برحذر داشته تا از این طریق زندگی‌اش را فراموش نکند. جالب است فیلسوفی که همواره با سه کامپیوتر سر و کار داشت و کتابخانه‌اش مملو از عظیم‌ترین کتاب‌های جهان بود علاقه‌ای به اینترنت و... نداشت. بزودی ترجمه دو کتاب دیگر از اکو را در اختیار علاقه مندان قرار می‌دهم؛ کتاب‌های «دلدادگان» از سوی نشر پرتقال و «فاشیسم ابدی- مجموعه یادداشت‌های اجتماعی اکو» که با همکاری انتشارات کتاب گویا روانه کتابفروشی‌ها می‌شوند.

اومبرتو اکو همراه با غلامرضا امامی

حال خوب با فیلم خوب

هنر و روان

شهرزاد عبدیه
روانشناس

یکی از تفریح‌هایی که تقریباً همه از آن لذت می‌برند، تماشای فیلم است. در این روزگار کرونا نیز که همگی مجبور هستیم بیشتر وقت خود را در خانه بگذرانیم، یکی از سرگرمی‌های خوب می‌تواند تماشای فیلم باشد؛ سرگرمی که به ما امکان می‌دهد ساعاتی را فارغ از دغدغه‌های روزمره و اضطراب بگذرانیم.

سینما به ما امکان تخیل می‌دهد و به عبارت بهتر به تخیل ما دامن می‌زند. ما با دیدن فیلم می‌توانیم خود را به جای شخصیت‌های داستان بگذاریم و با آنها شادی و اندوه و هیجان و... را تجربه کنیم. سینما و فیلم به ما این امکان را می‌دهد که برای ساعاتی از زندگی واقعی خود دور شده و غرق در شخصیت‌های فیلم شویم؛ تجربه‌ای که گاهی حتی می‌تواند فانتزی یا کودکانه هم باشد. تماشای یک فیلم کمدی می‌تواند مانند مسکنی قوی، برای ساعاتی ما را بخنداند و شادی برایمان به ارمغان بیاورد.

گاهی یک فیلم غم‌انگیز به تخلیه روانی فرد کمک می‌کند یا برای بیننده آموزنده است. خیلی وقت‌ها ممکن است فرد با تماشای یک فیلم درام با خودش بگوید تجربه تلخ من می‌توانست خیلی بدتر باشد، پس خدا را شکر. بنابراین حتماً برای تجربه حال خوب لازم نیست یک فیلم کمدی ببینیم بلکه اثری که ما را به فکر وادار کند یا به تخلیه هیجان‌های ما کمک کند هم می‌تواند حال بهتری را برایمان به ارمغان بیاورد. حال بد ناشی از هیجان‌هایی است که اگرچه ما آن را تجربه کرده‌ایم اما کلمه‌ای برای بیانش نداریم و به نوعی موفق نشده‌ایم آن را به درستی درک و هضم کنیم. هنگامی که یک فیلم را تحلیل می‌کنیم با خودمان می‌گوییم تجربه فلان شخصیت فیلم هم مشابه تجربه من بود و در اینجاست که گویی دلیل حال بدمان را متوجه می‌شویم. واقعیت این است که حال بد ما از نخندیدن نیست بلکه به‌خاطر وجود هیجان‌هایی است که بدرستی درکشان نکرده‌ایم؛ هیجان‌های تجربه نشده و معنا نشده‌ای که حال ما را بد می‌کند و گاهی می‌توان از فیلم برای معنا کردن این تجربه‌ها کمک گرفت.

یکی از ویژگی‌های سلامت روان این است که ما بتوانیم از تجربه دیگران درس بگیریم و کسانی که از این توانایی برخوردارند اغلب سلامت روانی بیشتری هم دارند. سینما به ما این امکان را می‌دهد که حتی کارهای خطرناکی را که در دنیای واقعی نمی‌توانیم و نباید انجام دهیم، تجربه کنیم و گاه آنقدر با شخصیت‌های فیلم همراه می‌شویم که بعد از تماشای فیلم به تحلیل عملکرد شخصیت‌های داستان می‌پردازیم و در مورد عملکرد آنها قضاوت می‌کنیم. در این هنگام ما با تحلیل فیلم در واقع تجربه‌های تازه‌تری به دست می‌آوریم که ارزشمند است؛ تجربه‌ای که شاید بتواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم زندگی ما را تحت تأثیر قرار دهد. پس در این دوران خانه‌نشینی فیلم ببینید آن هم فیلم‌های خوب از فیلمسازان خوب.

«شاهزاده مونونوکه» زندگی حرفه‌ای را تغییر داد

پیشنهاد

اشکان رهگذر
نویسنده و کارگردان انیمیشن و مدیرعامل استودیو هورخش

طبیعتاً آثار هنری یا هرگونه از آثار متنی که خلق می‌شود رسالتش تأثیرگذاری است، من هم به‌عنوان مخاطب در مقابل خیلی از آثار به زانو درآمده و تحسینشان می‌کنم، مثلاً انیمیشن‌های سینمایی «شاهزاده مونونوکه» و «شهر اشباح» از آثار استاد بزرگ انیمیشن، «هایائو میازاکی» از این جمله آثار هستند. انیمیشن «شاهزاده مونونوکه» برای من اثری بود که بعد از دیدنش زندگی حرفه‌ای‌ام جهت تازه‌ای پیدا کرد و نگاهم به هنر انیمیشن فراتر از آثار دیزنی رفت در کنار این اثر سه‌گانه «ارباب حلقه‌ها» در سینما و همچنین آثار «وودی آلن» را بسیار تحسین می‌کنم مخصوصاً فیلم«جازمین غمگین» و «آنی هال» او را. اما در زمینه کتاب، آثار «جوزف کمبل» تأثیر عمیقی روی من گذاشت. کتاب «قدرت اسطوره» وی نشان می‌دهد که چطور پدیده کهنی مانند اسطوره می‌تواند روح تازه‌ای در سینما یا هرآفرینش هنری دیگری بدمد، پیش‌از جوزف کمبل آثار «یونگ» برای من قابل ستایشند و تأثیر عمیقی بر من گذاشتند. از آثار او، کتاب «انسان و سمبل‌هایش» می‌تواند گوهر باارزشی برای شناخت ماهیت انسانی ما از دریچه نمادها و داشته‌های گذشته باشد.

اما در این بین نمی‌توان موسیقی را از این قاعده، مجزا دانست. من از شنیدن موسیقی متن فیلم بسیار لذت می‌برم، آثار «زبیگنیف پرایزنر» را می‌ستایم و به مجرد از همنشینی با فیلم‌های استاد بزرگ «کیشلوفسکی» بسیار از شنیدنشان به شعف می‌آیم. همچنین شنیدن آثار آهنگسازان بزرگی همچون «هانس زیمر» یا «استیو یابلونسکی» نیز برایم لذت‌بخش است. به خاطر می‌آورم که یکی از آثار استاد بزرگ آواز ایران، استاد شهرام ناظری در نگارش فیلمنامه انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» تأثیر شگرفی بر من گذاشت و آن آلبوم «سفر عسرت» ایشان بود، در پایان امید دارم تا خواننده یادداشت این حقیر هرچه بیشتر به خواندن و دیدن و شنیدن روی آورد.

به نام تاریخ

■ ۱۳ آذر

■ **تولدها**

جوزف کنراد: نویسنده بریتانیایی - لهستانی سال ۱۸۵۷ در چنین روزی به دنیا آمد. پدر جوزف کنراد شاعر و مترجم ادبی بود و او هم از کودکی رمان‌های انگلیسی را همراه پدرش می‌خواند. پس از سفر به فرانسه و تحصیل در رشته دریانوردی با نمایشنامه و اپرا و تئاتر آشنا شد و از سال ۱۸۹۴ وقتش را به ادبیات اختصاص داد. «حماقت آلمایر» اولین رمانش بود که سال ۱۸۹۵ منتشر شد و پس از آن «رانده شده از جزایر»، «کاکاسیاه کشتی نارسیسوس» و «نوسترومو» را نوشت و منتشر کرد که آخرین کتابش نظر منتقدان را بخوبی جلب کرد اما فروش چندانی نداشت. «در چشم غربی»، «حماقت خانه آلمای»، «مأمور مخفی»، «دزد دریایی»، «غریبه دریازده»، «رهایی» و «جوانی» از دیگر آثار کنراد هستند. او سال ۱۹۲۰ درگذشت.

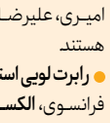

جولین مور: بازیگر امریکایی سال ۱۹۶۰ به دنیا آمد. جولین مور از سال ۱۹۹۲ با بازی در فیلم «دستی که گهواره را تکان می‌دهد» وارد سینما شد و پس از آن در فیلم‌هایی مانند «بنی و جون»، «فراری» و «برش‌های کوتاه» بازی کرد. «لبوفسکی بزرگ» و «مگنولیا» فیلم‌هایی بودند که مور را بیشتر به شهرت رساندند. او در دهه ۹۰ بیشتر در فیلم‌های تجاری بازی می‌کرد اما بعدها و با بازی در فیلم‌هایی مانند «هانیبال»، «ساعت‌ها»، «فرزندان انسان»، «من آنجا نیستم»، «کوری» و «کلوبی» این روند را تغییر داد. بازی او در فیلم «هنوز آلیس» در سال ۲۰۱۴ و در نقش زنی که به آلزایمر مبتلا می‌شود بسیار مورد توجه قرار گرفت و برایش جایزه اسکار برد.

● **محمدجواد بهروزی** نویسنده و شاعر، **لودویگ هولبرگ** نویسنده دانمارکی، **فرید عمران** آهنگساز، **محمدرضا جعفری** آهنگساز و خواننده، **واروژها خاندیان** آهنگساز، **آنتون وبرن** آهنگساز اتریشی، **نینو روتا** آهنگساز ایتالیایی و **آماندا سایفرد** بازیگر امریکایی هم متولد امروز هستند.

■ **درگذشت‌ها**

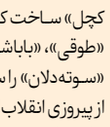

جلال تاج اصفهانی: خواننده برجسته موسیقی سنتی ایرانی سال ۱۳۶۰ در چنین روزی درگذشت. جلال تاج اصفهانی متولد ۱۲۸۲ بود و به دلیل علاقه پدری اش به موسیقی او هم از کودکی با این هنر و دستگاه‌های موسیقی سنتی ایرانی آشنا شد. از سال ۱۳۱۹ همکاری با رادیو را آغاز کرد و به دلیل صدای رسا و قدرتمند و تحریرهای خاصش بزودی خواننده و سرپرست نوازندگان رادیو اصفهان شد. از تاج اصفهانی آثاری مانند «آواز همایون» به جا مانده که بسیار مشهور و محبوب است و «آتش دل» هم یکی از ماندگارترین کارهای اوست. جلال تاج اصفهانی در زمینه آموزش موسیقی و آواز هم بسیار فعال بود و هنرمندانی مانند حسین خواجه امیری، علیرضا افتخاری و محمدتقی سعیدی از شاگردان مشهور او هستند.

● **رابرت لویی استیونسن** نویسنده اسکاتلندی، **پیر آگوست رنوآر** نقاش فرانسوی، **الکساندر رودچنکو** نقاش و عکاس روس و **عبدوملک بهاری** شاعر و نخستین داستان نویس تاجیک هم در چنین روزی درگذشتند.

■ ۱۴ آذر

■ **تولدها**

● سالروز تولد **جف بریجز** بازیگر امریکایی، **الکس نورث** آهنگساز امریکایی، **علی ارحام صدر** بازیگر، **ژان شاپلن** شاعر فرانسوی، **ساموئل باتلر** نویسنده اسکاتلندی، **آرمان خطیبی** داستان‌نویس، **ساناز سیداصفهانی** داستان‌نویس، **علیرضا طباطبایی** شاعر و **پژمان قانون** شاعر هم امروز است.

■ **درگذشت‌ها**

علی حاتمی: کارگردان بزرگ سینمای ایران سال ۱۳۷۵ در چنین روزی درگذشت. علی حاتمی متولد ۱۳۲۳ بود و کارش را با نمایشنامه‌نویسی در تئاتر آغاز کرد و سال ۱۳۴۸ نخستین فیلمش را با نام «حسن کچل» ساخت که بسیار هم مورد توجه قرار گرفت. پس از آن فیلم‌های «طوقی»، «باباشمل»، «قلندر»، «خواستگار»، «سلطان صاحبقران» و «سوته‌دلان» را ساخت که همه آنها بسیار مورد توجه قرار گرفتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی سریال ماندگار «هزاردستان» را به کارگردانی علی حاتمی دیدیم و برایش شهرک سینمایی ساخت تا تهران قدیم را به تصویر بکشد. «کمال‌الملک»، «حاجی واشنگتن» و «دلشدگان» فیلم‌های بعدی او بودند و قصد داشت فیلم «جهان پهلوان تختی» را هم بسازد که بر اثر سرطان درگذشت.

کاظم معتمدنژاد: استاد روزنامه‌نگاری ایران سال ۱۳۹۲ درگذشت. کاظم معتمدنژاد متولد ۱۳۱۳ بود و در رشته حقوق قضایی تحصیل کرد اما در زمان تحصیل در روزنامه کیهان هم مشغول به کار شد و پس از آن با بورسیه‌ای راهی فرانسه شد تا دکترای تخصصی روزنامه‌نگاری بگیرد. پس از بازگشت به ایران و از سال ۴۳ تا ۵۰ به عنوان یکی از اعضای مؤسس دوره عالی روزنامه‌نگاری و دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی فعالیت کرد و به دلیل نقشی که معتمدنژاد در تدریس آکادمیک علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری در ایران داشت به او لقب پدر علم ارتباطات ایران دادند. کتاب‌های «ارتباطات بین‌المللی»، «ارتباطات در خدمت انسان‌ها»، «حقوق ارتباط جمعی» و «حقوق مطبوعات» از آثار اوست.

● سالروز درگذشت **غلامحسین یوسفی** نویسنده و مترجم، **منوچهر طاهرزاده** خواننده، **شمس آل احمد** نویسنده، **اشتفان گئورگه** شاعر آلمانی و **واسیلی بلوف** نویسنده روس هم امروز است.

عکس نوشت
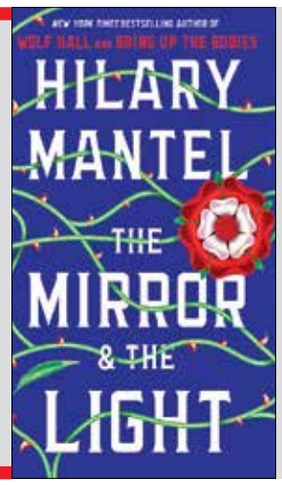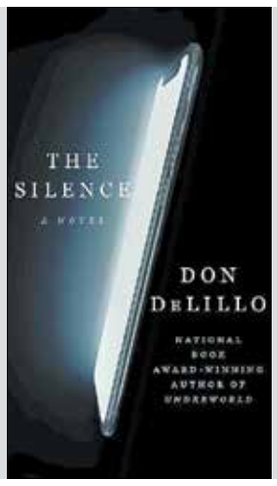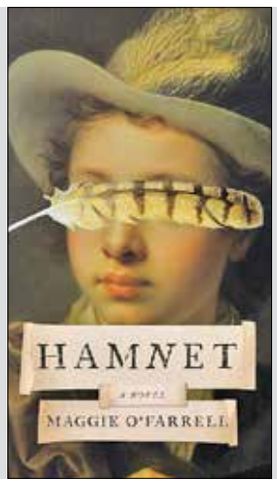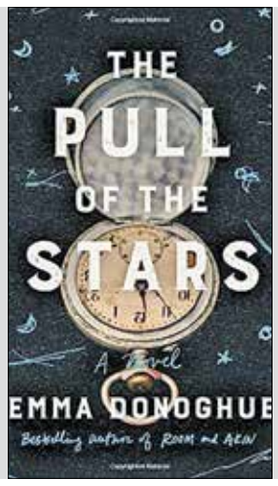
روزنامه انگلیسی گاردین آثار داستانی منتخب سال ۲۰۲۰ را در بخش‌های رمان، داستان کوتاه و آثار ترجمه شده معرفی کرد. «همنت» مگی اُفارل، «جاذبه ستارگان» اما داناهپو، «سکوت» دان دلیلو، «آب و هوا» از جنی اُفیل، «زمین به گل نشسته بار دیگر به پا می‌خیزد» از جان هریسون، «تابستان» الی اسمیت، «آیینه و نور» هیلاری منتل، «این پیکر سوگوار» از تیستسی دانگارمبگا، «پادشاه سایه» از مازا منگسته و «نیمه در حال محو شدن» از بریت بنت رمان‌های برتر این فهرست هستند.